

عنوان مقاله:

کاربرد تئوری پیچیدگی رهبری، نظریه آشوب و خودسازماندهی در توسعه یافتگی سازمان ها

محل انتشار:

فصلنامه جغرافیا و روابط انسانی، دوره 1، شماره 4 (سال: 1398)

تعداد صفحات اصل مقاله: 12

نویسندگان:

بهمن خسروی پور - دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی خوزستان

آمنه سواری - اهواز-کوی ملت (کوروش)- خیابان اقبال ۱۱-پلاک ۱۵ واحد سوم کد پستی: ۶۱۶۴۷۷۳۴۳۶

خلاصه مقاله:

عصر حاضر به عنوان عصر دانش و اطلاعات، با ویژگی هایی مثل افزایش رقابت و پیچیدگی همراه است. بنابراین در چنین وضعی، ویژگی ها، مهارت ها و وظایف رهبران باید متفاوت از نوع سنتی آن باشد. امروزه تئوری های پیچیدگی و آشوب زمینه مناسبی را برای تحقیق و پژوهش در عرصه های گوناگون به وجود آورده است. پارادایمی که بر توانمندسازی ظرفیت انطباقی، خلاقیت و یادگیری سیستم های انطباقی پیچیده در بافت سازمان های تولیدکننده دانش تمرکز دارد. از این رو، ضرورت دارد تا سازمان ها به صورت مستقیم یا غیر مستقیم، برای حفظ حیات خود، با تغییرات روز تطبیق یابند. در این مقاله، سعی بر آن است تا با توجه به تیوری پیچیدگی رهبری، نظریه آشوب و خود سازمان دهیچگونگی بروز نوآوری و خلاقیت در سازمان ها و همچنین کاربرد این مفاهیم را مورد بررسی قرار دهیم. پیچیدگی و دو زیرمجموعه ی آن یعنی آشوب و خودسازماندهی زاینده تغییرات ایجاد شده در دانش بشر و تغییر ماهیت محیط کار می باشند. در شرایط در حال تغییر امروز، سیستم های بی نظم در ارتباط با محیط خود همچون موجودات زنده عمل می کنند و برای رسیدن به موفقیت همواره باید خلاق و نوآور باشند از این رو سازمان ها می توانند با توانمندسازی، خلاقیت، خودسازماندهی و بدون یک مدیریت مرکزی به توسعه دست یابند.

کلمات کلیدی:

تئوری پیچیدگی، نظریه آشوب، خودسازماندهی، توسعه سازمان ها

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/886318>

